

Research Paper

Pathology of university culture in Iran based on content analysis of studies conducted in the country

Yousef Namvar^{1*}, Mohammad Yamani Dozi Sarkhabi², Mohammad Amin Ganeirad³, Mahbobeh Arefi⁴

1. PhD student of Curriculum Development in Higher Education, Shahid Beheshti University

2. Professor of Faculty of Educational Sciences and Psychology, Shahid Beheshti University

3. Professor of Science and Society Research Department, National Science Policy Research Center

4. Professor of Faculty of Educational Sciences and Psychology, Shahid Beheshti University

Received: 2021/08/06

Accepted: 2022/12/13

PP:208-221

Use your device to scan and read the article online



DOI:

[10.30495/jedu.2023.18706.3915](https://doi.org/10.30495/jedu.2023.18706.3915)

Keywords:

University, culture, pathology, content analysis, professional ethics.

Abstract

Introduction: University has the main authority for the development of knowledge, culture and society of every nation. The main mission of the university is to produce educated, productive and capable academic people and academic identity in people who act as scouts of science and culture. This article aims at the pathology of university culture in Iran's universities by reviewing studies conducted within the country.

Research methodology: This qualitative research was done by content analysis method. For this purpose, all articles in databases (sid, magiran, noormags) were searched with keywords of culture, university, university culture as a research population, among them 11 articles related to research topic was identified and selected as a sample. Articles were studied and analyzed. The categories and statements obtained as pathology to academic culture were placed below the previous ten recognized axes for academic culture.

Findings: The most important pathology to academic culture based on the results of this research and in order of priority are: pathology related to university management, communication, professional ethics, and learning and education. Scientific freedom pathology is in the top priority.

Conclusion: The results of this research can be used for higher education policy in the field of eliminating academic culture damage.

Citation: Namvar Yousef, Yamani Dozi Sarkhabi Mohammad, Ganeirad Mohammad Amin, Arefi Mahbobeh.(2024). Pathology of university culture in Iran based on content analysis of studies conducted in the country .Journal of New Approaches in Educational Administration; 14(6):208-220

Corresponding author: Yousef Namvar

Address: PhD student of Curriculum Development in Higher Education, Shahid Beheshti University

Email: y_namvar@sbu.ac.ir

Extended Abstract

Introduction:

University has the main authority for the development of knowledge, culture and society of every nation. The main mission of the university is to produce educated, productive and capable academic people and academic identity in people who act as scouts of science and culture. This article aims at the pathology of university culture in Iran's universities by reviewing studies conducted within the country.

Context:

The issue of culture in higher education and university as one of the cultural institutions of the society is of special importance. Studies related to university culture have been discussed in foreign studies for nearly fourteen decades, but despite this, this category has not received much attention from domestic researchers and still has a weak theoretical literature.

Goal:

This article aims at the pathology of university culture in Iran's universities by reviewing studies conducted within the country.

Method:

This qualitative research was done by content analysis method. For this purpose, all articles in databases (sid, magiran, noormags) were searched with keywords of culture, university, university culture as a research population, among them 11

articles related to research topic Was identified and selected as a sample. Articles were studied and analyzed. The categories and statements obtained as pathology to academic culture were placed below the previous ten recognized axes for academic culture.

Findings:

The most important pathology to academic culture based on the results of this research and in order of priority are: pathology related to university management, communication, professional ethics, and learning and education. Scientific freedom pathology is in the top priority.

Results:

Based on the findings of this research, the university culture in Iran is damaged in many aspects, and it will be necessary to pay attention and plan systematically to solve these problems. Suggestions are provided to reduce the harms raised in the field of academic culture: Granting independence and authority to universities, the selection of university managers based on the qualifications, compilation of incentive rules to comply with scientific norms, strengthening scientific communities and collaborations and as a result improving scientific communication, giving priority to group researches in order to strengthen the working group and collective spirit, and etc.

مقاله پژوهشی

آسیب شناسی فرهنگ دانشگاهی در ایران براساس تحلیل محتوای مطالعات انجام شده داخل کشور

یوسف نامور^{۱*}، محمد یمنی دوزی سرخابی^۲، محمدامین قانعی راد^۳، محبوبه عارفی^۴

۱. دانشجوی دکتری برنامه ریزی درسی در آموزش عالی، دانشگاه شهید بهشتی

۲. استاد دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه شهید بهشتی

۳. استاد گروه پژوهشی علم و جامعه، مرکز تحقیقات سیاست علمی کشور

۴. دانشیار دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه شهید بهشتی

چکیده

مقدمه و هدف: دانشگاه مرجعیت اصلی توسعه دانش، فرهنگ و اجتماع هر ملت را دارد رسالت اصلی دانشگاه تولید انسان دانشگاهی و هویت دانشگاهی فرهیخته، مولد و توانمند در افرادی است که به عنوان پیشاهنگان علم و فرهنگ عمل می کنند. این مقاله با هدف آسیب شناسی فرهنگ دانشگاهی در دانشگاه های ایران با تحلیل مطالعات صورت گرفته در داخل کشور انجام شده است.

روش شناسی پژوهش: این پژوهش کیفی و با روش تحلیل محتوا انجام شده است. جامعه آماری این پژوهش همه مقاله های تدوین شده در خصوص فرهنگ دانشگاهی بود بدین منظور همه مقاله های موجود در پایگاه های اطلاع رسانی جهاد دانشگاهی، مجلات تخصصی نور، بانک اطلاعات نشریات کشور با کلیدواژه های فرهنگ، دانشگاه، فرهنگ دانشگاهی جستجو شد و از بین آن ها ۱۱ مقاله که با موضوع پژوهش مرتبط بود شناسایی و به عنوان نمونه انتخاب گردید. مقاله ها مطالعه و تحلیل محتوا شد مقوله ها و گزاره های به دست آمده به عنوان آسیب های فرهنگ دانشگاهی در زیر ده محور شناسایی شده مطالعات قبلی برای فرهنگ دانشگاهی قرار داده شد.

یافته ها: مهم ترین آسیب های فرهنگ دانشگاهی براساس نتایج این تحقیق و به ترتیب اولویت عبارتند از: آسیب های مربوط به مدیریت دانشگاه، ارتباطات، اخلاق حرفه ای و یادگیری و آموزش. آسیب های مربوط به آزادی علمی در اولویت آخر قرار دارد.

بحث و نتیجه گیری: از نتایج این تحقیق می توان برای سیاست گذاری آموزش عالی در زمینه برطرف کردن آسیب های فرهنگ دانشگاهی استفاده کرد.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۵/۱۵

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۹/۲۲

شماره صفحات: ۲۰۸-۲۲۱

از دستگاه خود برای اسکن و خواندن مقاله به صورت آنلاین استفاده کنید



DOI:

10.30495/jedu.2023.18706.3915

واژه های کلیدی:

فرهنگ، دانشگاه، آسیب شناسی، تحلیل محتوا، اخلاق حرفه ای

استناد: نامور یوسف، محمد یمنی دوزی سرخابی، محمدامین قانعی راد، عارفی محبوبه (۱۴۰۲). آسیب شناسی فرهنگ دانشگاهی در ایران براساس تحلیل محتوای مطالعات انجام شده داخل کشور. دوماهنامه علمی- پژوهشی رهیافتی نو در مدیریت آموزشی. ۱۴ (۶): ۲۰۸-۲۲۱

* نویسنده مسوول: یوسف نامور

نشانی: دانشجوی دکتری برنامه ریزی درسی در آموزش عالی، دانشگاه شهید بهشتی

پست الکترونیکی: y_namvar@sbu.ac.ir

مقدمه

در دنیای امروز دانشگاه مرجعیت اصلی توسعه دانش، فرهنگ و اجتماع هر ملت را دارد. رسالت اصلی دانشگاه تولید انسان دانشگاهی و هویت دانشگاهی فرهیخته، مولد و توانمند در افرادی است که به عنوان پیشاهنگان علم و فرهنگ عمل می کنند. (Johnson, 1979) منظور از انسان دانشگاهی فردی است که بتواند ارزش‌ها و باورها یا فرهنگ دانشگاهی را در خود درونی سازد؛ وی کسی است که شیوه زندگی دانشگاهی را در دانشگاه آموخته است؛ گفتگو می کند؛ نقد می کند، می نویسد، تفکر انتقادی دارد، فکری مولد و زایا دارد (Fazeli, 2008). (2012) دانشگاه به معنای سپهری است که مجموعه‌ای از نمادها و نشانه‌ها و پرديس و نوع خاصی از هنجارها و ارتباطات و فرهنگ و زندگی دانشگاهی به آن کلیت می بخشد. (Farasatkah, 2016) موضوع فرهنگ در نهاد آموزش عالی و دانشگاه به عنوان یکی از عناصر فرهنگ ساز جامعه، اهمیتی دو چندان می یابد. مطالعات مربوط به فرهنگ دانشگاهی نزدیک به چهاردهه است که در مطالعات خارجی مطرح می شود اما علی‌رغم این امر، این مقوله چندان مورد توجه پژوهشگران داخلی قرار نگرفته است و هنوز هم از ادبیات نظری ضعیفی برخوردار است. (Amiri, Zarei Matin, & Zolfegarzadeh, 2010) البته در سال‌های اخیر میزان توجه به مقوله فرهنگ دانشگاهی در مطالعات داخلی بیشتر شده است و پژوهشگران اهمیت این مقوله را درک کرده اند. به عقیده فراستخواه (۲۰۱۶) خیلی از آسیب‌ها از جمله افت تحصیلی، پایین آمدن کیفیت آموزش و تحقیق دانشگاهی، وضعیت نابسامان و غیراثربخش تدریس، گرایش به مدرک توسط دانشجو، کم رنگ شدن زندگی دانشجویی، مقاله محور بودن استادان، عدم تمایل برای اقامت در پردیس، بی انگیزگی در کلاس و فقدان معنا و پیام در مقالات علمی و ناهنجاری‌های علمی از جمله سرقت علمی و عدم امانت داری و غیره، ناشی از تضعیف شدن یا مخدوش شدن فضای غیررسمی، بسیط یا مشحون از تجربه‌های ماست که تحت عنوان فضای سه-برگرفته شده از تقسیم بندی سه لایه هانری لوفور جامعه شناس فرانسوی از فضا- نامیده شده است که متأسفانه این وضعیت تصویر مثبت دانشگاه و فرهنگ دانشگاه در ایران را خدشه دار و مساله دار می کند. بحث بر سر علم و دانشگاه، بحث بر سر نوع خاصی از نگرش‌ها و یک سلسله ارزش‌های اجتماعی، یک سبک زندگی، الگوهای خاصی از حل مساله، نوع متفاوتی از قضاوت کردن، تعامل با دیگران، اداره زندگی اجتماعی، شیوه مدیریت و رهبری است؛ برای این‌که علم و دانشگاه فرهنگ خاص خود را دارد (Farasatkah, 2010).

آنچه ارتباطات بین نسلی میان هیات علمی و دانشجو را تسهیل می کند حجیت اخلاقی و معرفت شناختی و آکادمیک هیات علمی در ذهن و جان دانشجویان است. وقتی این حجیت به هر دلیلی مخدوش شود یا از بین برود این آغاز مساله ساز شدن روابط بین نسلی میان استاد و دانشجو است. (Farasatkah, 2016) شواهد موجود حاکی از وجود کاستی‌های جدی در نظام دانشگاهی است که از جمله آن می توان به پایین بودن میزان تعاملات استادان با همدیگر (Ganeirad, 2007)، پایین بودن تعاملات دانشجو-استاد (Gazi Tabatabaei & Marjaei, 2001)، بی انگیزگی علمی، احساس یاس و بی قدرتی و بی هنجاری علمی (Mahdiye, Hemmati & Vedadhir, 2016) اشاره کرد. دانشگاهیان در سطح ملی، نقش موثری در توسعه فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی دارند و در سطح بین المللی نیز ضمن گسترش مرزهای دانش، به صلح جهانی، و بهبود و ارتقای شرایط زیست بشری، و ظهور امکانات نهفته انسانی کمک می کنند (Farasatkah, 2009). از این حیث شناسایی آسیب‌های فرهنگ دانشگاهی ضرورتی اجتناب ناپذیر و لازم است. اگر چه پژوهش‌هایی در خصوص مولفه‌های مربوط به فرهنگ دانشگاهی انجام شده است اما مطالعه جامعی که آسیب شناسی فرهنگ دانشگاهی در دانشگاه را بررسی کند، صورت نگرفته است و مورد غفلت پژوهشگران حوزه آموزش عالی واقع شده است. به نظر این غفلت از یک طرف ناشی از جدید بودن حوزه فرهنگ دانشگاهی و از سوی دیگر عدم درک اهمیت این حوزه به عنوان حوزه مطالعاتی است. امید است این مطالعه فتح بابی در این خصوص باشد و مطالعه مستقلی به صورت میدانی در خصوص آسیب شناسی فرهنگ دانشگاهی در ایران انجام شود.

مقاله حاضر در جهت آسیب شناسی فرهنگ دانشگاهی با تحلیل محتوای مطالعات صورت گرفته در این زمینه است، نتیجه این تحقیق می تواند برای شناسایی جامع آسیب‌های فرهنگ دانشگاه‌ها، در مدیریت دانشگاه‌ها و ارائه راه حل‌ها و سیاست‌گذاری‌های بهینه مطلوب واقع شود. سوال محوری پژوهش این است با توجه به پژوهش‌های انجام شده، آسیب‌های فرهنگ دانشگاهی در نظام آموزش عالی ایران کدامند؟ اولویت بندی آسیب‌ها به چه صورت است؟

برای پاسخ به این سوالات، مقاله حاضر به تحلیل محتوای مقالات مرتبط با فرهنگ دانشگاهی در ایران می پردازد.

پیشینه پژوهش

در این بخش به طور مختصر به برخی مطالعات انجام شده در حوزه فرهنگ دانشگاهی پرداخته می شود. قانعی راد (۲۰۰۷) در پژوهش خود به این نتیجه رسید که هرچه سابقه تحصیلی دانشجویان ایرانی مورد مطالعه بیش تر می شود از انگیزش و انرژی عاطفی آن‌ها کاسته می شود. فعالیت‌های فوق برنامه دانشگاهی نمی تواند پیشرفت تحصیلی دانشجویان را پیش بینی کند. فعالیت‌های هیات علمی در دانشگاه‌های

ایران به طرز قابل توجهی فردی است و همکاری های موجود نیز عمدتاً در قالب رسمی صورت می پذیرد. یادگیری دانشجویان نیز بیشتر به صورت فرایندی فردی و کم تر تعاملی است. از این تحقیق هم بر می آید که کارکردهای فرهنگ دانشگاهی و ساختار فوق برنامه ها و نیز تعاملات اجتماع علمی در ایران دارای ضعف هایی است. در پژوهشی که توسط فراستخواه (۲۰۰۷) با روش کیفی و بر مبنای نظریه مبنایی انجام شده است این نتیجه به دست آمده است که اخلاق علمی در ایران (مانند انصاف، پرهیز از جانبداری، امانت داری، صداقت، هنجارگرایی علمی، انتقادپذیری و پاسخگویی و ...) وضعیت بحث انگیزی دارد که خود ناشی از مساله آمیز بودن زمینه های موجود فرهنگی دانشگاهی و فرهنگ اجتماع علمی در کشور است (مانند جرگه گرایی، نخبه گرایی و مغایرت با هنجارهای علمی-دانشگاهی). هر چند بر مبنای این تحقیق، متغیرهای زمینه ای، محیطی، ساختاری و تاریخی بیرون از دانشگاه و بیرون از اجتماع علمی، عامل این ضعف ها بوده است که از جمله آن بزرگی دولت و سایه آن بر دانشگاه، قیمومت گرایی، مزدبگیری دولتی، و سیطره سیاست و ایدئولوژی بر علم است، ولی در نهایت به نارسایی فرهنگ دانشگاهی و زندگی دانشجویی در ایران، و مساله آمیز شدن اخلاق علمی در این جامعه می انجامد. هم چنین مطالعه قاضی طباطبایی و ودادهیر (۲۰۰۱) نشان داد که از نظر دانشجویان تحصیلات تکمیلی، استادان در رفتار واقعی خویش در گروه آموزشی و در ارتباط با دانشجویان به ضد هنجارهای علم پایبندی بیشتری دارند تا هنجارهای علم، از طرفی، عوامل دانشگاهی و دپارتمانی مثل جو گروه آموزشی، ساختار گروه و تجربه های طلبگی، پایبندی به هنجارهای علم را کمتر از ضد هنجارهای علم تبیین می کنند. نتایج تحقیق دهینگ و همکاران (۲۰۱۳) هم نشان داد که دانشجویان مورد مطالعه در رابطه با هویت حرفه ای از وضعیت مطلوبی برخوردار نبودند. در نتیجه وی معتقد است با بهبود تعاملات و شبکه اجتماعی در گروه های آموزشی باید هویت حرفه ای دانشجویان را بهبود بخشید. براساس نتایج تحقیق شن و تیان (۲۰۱۲) فرهنگ کمپس، توسعه فرهنگ آکادمیک را محدود می کند. نتایج تحقیق فایرفیلد-آرتمن (۲۰۱۰) هم نشان داد که فرایند شکل گیری هویت حرفه ای دانشجویان متأثر از هویت جنسی آنان و نیز شبکه اجتماعی و روابط آن ها بویژه با محیط دانشگاه و نیز رشته تحصیلی آنان است.

روش شناسی پژوهش

در این پژوهش از روش تحلیل محتوا استفاده شده است. واحد ثبت «موضوع یا مضمون» و واحد زمینه یافته های به دست آمده در مقالات است. به نظر هولستی در کتاب تحلیل محتوا در علوم اجتماعی و انسانی، این روش به معنای تحلیل علمی پیام های ارتباطی است. پیسلی این باور را دارد که تحلیل محتوا مرحله ای از جمع آوری اطلاعات است که در آن محتوای ارتباطات از طریق به کارگیری عینی و منظم قواعد مقوله بندی، به اطلاعاتی که می توانند خلاصه و با هم مقایسه شوند، تغییر شکل می یابند. (Holsti, 1969) از جنبه های بسیاری «موضوع» یعنی اظهاری درباره چیزی مفیدترین واحد تحلیل محتواست. وی می افزاید کاربرد این واحد در پژوهش های مربوط به تبلیغات، ارزش ها، ایستارها، اعتقادات و نظایر آن ضروری است. مقوله ها فضاهایی هستند که واحدهای محتوا باید در آن طبقه بندی شوند (Holsti, 1969). تحلیل محتوا نسبت به سایر روش های کیفی عینی تر و برای تحلیل نوشته یا گفته ای از لحاظ تعداد مقوله ها، پیشامد یا رفتار خاص به کار می رود و شامل سه گام شناسایی، کدبندی و تحلیل مقوله هاست (Hooman, 2006) در این پژوهش هم همین سه گام مورد استفاده قرار گرفت. جامعه آماری این تحقیق همه مقاله های داخل کشور در موضوعات مربوط به فرهنگ دانشگاهی است پایگاه های اطلاع رسانی جهاد دانشگاهی، مجلات تخصصی نور، بانک اطلاعات نشریات کشور به عنوان منابع پژوهش انتخاب و مقالات مرتبط با فرهنگ دانشگاه با کلید واژه های فرهنگ، دانشگاه و فرهنگ دانشگاهی جستجو گردید. و در نهایت پس از پیدا کردن مقالات و بازبینی مجدد آن ها یازده مقاله برای تحلیل نهایی به عنوان نمونه و با روش نمونه گیری هدفمند انتخاب گردید. ده مقوله اصلی را محقق از قبل مشخص کرده بود زیرا طرح استاندارد طبقه بندی شده ای در مورد موضوع در دسترس نبود کدگذاری موضوعات و مضامین ابتدا توسط محقق انجام شد سپس توسط دو نفر از دوستان به عنوان ناظر و مصحح، بررسی و اصلاح شد.

مقاله های انتخاب شده جهت بررسی و استفاده در تحلیل به شرح جدول شماره (۱) می باشد:

جدول شماره ۱- اطلاعات مقالات انتخاب شده مرتبط با فرهنگ دانشگاهی

تاریخ انتشار	مقاله	ردیف
۲۰۰۳	بررسی تطبیقی فرهنگ دانشگاهی ایران و بریتانیا (مطالعه انسان شناختی در علل ناکارآمدی آموزش دانشگاهی در ایران)	نعمت الله فاضلی
۲۰۱۰	تاثیر مسائل و چالش های محیط علمی بر جامعه پذیری دانشگاهی	محسنی تبریزی، قاضی طباطبایی و مرجائی
۲۰۱۱	فرهنگ رشته ای و تاکتیک های جامعه پذیری دانشجویان دکتری	امین مظفری و یوسفی اقدم

۲۰۱۲	پیش بینی تعهد سازمانی دانشجویان براساس ادراک آن‌ها از جو آموزشی دانشگاه (مورد دانشگاه شیراز)	ترک زاده و محترم
۲۰۱۴	مطالعه دگرگونی فرهنگی در سه نسل دانشگاهی (مطالعه موردی: استادان علوم اجتماعی دانشگاه‌های تهران)	قانعی راد، ملکی و محمدی
۲۰۱۴	جایگاه فرهنگ دانشگاهی و الزامات نهادی علم در زندگی دانشجویی	ذاکرسالچی و نظریان
۲۰۱۵	فرهنگ دانشگاهی و تغییرات آن در ایران	احمدی، پسندیده و دهقانزاده
۲۰۱۵	نقش فرهنگ دانشگاهی بر دانش آفرینی از دیدگاه صاحب‌نظران نظام آموزش عالی	ابراهیمی، عدلی و مهران
۲۰۱۵	تجربه های زیسته و ادراک شده دانشجویان: مطالعه موردی یک دانشگاه ایرانی	فراستخواه
۲۰۱۶	واکاوی عوامل موثر بر شکل گیری و توسعه کژکارکردی های آموزش عالی در ایران	مطلبی فرد، آراسته، نوه ابراهیم و عبداللهی
۲۰۱۶	فرایند جامعه پذیری دانشگاهی دانشجویان دکتری: مورد دانشگاه اصفهان	مهديه، همتی و ودادهیر

یافته ها

یافته های این پژوهش به شرح جدول زیر در پاسخ به سوالات آورده می شود یکی از سوالات پژوهش این بود که براساس پژوهش های انجام شده در داخل کشور، آسیب های فرهنگ دانشگاهی در نظام آموزش عالی ایران کدامند؟ و سوال دیگر این هست که اولویت بندی آسیب ها به چه صورت است؟

ابتدا خلاصه ای از وضعیت مقالات بررسی شده در جدول شماره ۲ آورده می شود همان گونه که در جدول ملاحظه می شود اکثر مقالات با فراوانی ۸ مربوط به سال های ۱۳۹۱ تا ۱۳۹۵ است که توجه جدی پژوهشگران را به این حوزه می رساند هم چنین تعداد ۹ مقاله به صورت تیمی انجام شده است که البته اکثر آن ها مقالات مستخرج از پایان نامه می باشد که معنای آن هم می تواند این باشد که مساله فرهنگ دانشگاهی یکی از دغدغه ها و مساله پژوهشی در دانشگاه ها است.

جدول شماره ۲- توصیف صوری مقاله های مورد بررسی

تعداد	عنوان	محور بررسی مقاله
۱۱	علمی-پژوهشی	نوع مجله منتشر کننده
۰	علمی-ترویجی	
۱	۱۳۸۰-۱۳۸۵	
۲	۱۳۸۶-۱۳۹۰	گستره زمانی
۸	۱۳۹۱-۱۳۹۵	
۲	انفرادی	مشارکت محققان
۹	تیمی	
۱۰	ملی	گستره مکانی (جغرافیایی)
۱	فراملی	
۲	کمی	
۹	کیفی	روش تحقیق
۰	ترکیبی	

نحوه تحلیل محتوا و استخراج داده ها از مقالات منتخب به این صورت است که در مرحله اول کدگذاری باز به صورت سطر به سطر انجام شد، و در مجموع ۱۸۲ کد استخراج شد، سپس این کدها در ده مضمون که برگرفته از مقالات مرتبط و مبانی و پیشینه پژوهش به دست آمده بود به شرح جدول زیر جای گذاری شد.

جدول شماره ۳- آسیب های فرهنگ دانشگاهی در ایران براساس تحلیل محتوای مطالعات انجام شده در این حوزه

تعداد فراوانی مرتبط با این آسیب	آسیب های شناسایی شده-کدباز	مضمون- کدمحوری
۷	فقدان استقلال دانشگاهی، فقدان استقلال دانشگاهی، فقدان قدرت در تعیین سرنوشت دانشگاهی، نبود استقلال نهادی دانشگاه، تعریف نشدن مدل آموزشی جامع، بی ثباتی در برنامه های آموزش عالی، تعدد کانون های قدرت و تصمیم گیرنده	استقلال دانشگاهی
۲	تاکید بر آزادی مدنی به جای آزادی آکادمیک، وجود نداشتن آزادی و استقلال فکری	علمی آزادی

۴۲	<p>مدیریت سیاسی و رابطه ای، ضعف ساختار مدیریتی و نظارتی در آموزش عالی، ضعف در نگاه تخصصی به مدیریت آموزش عالی، فشار اجتماعی، توسعه کمی و غفلت از کیفیت، ضعف در نیازسنجی و آمایش آموزش عالی، سیاست‌گذاری‌های غیراصولی در آموزش عالی، کمی نگرانی در آموزش عالی، ضعف در توسعه بانک اطلاعاتی دقیق پژوهشی، نسبت پایین استاد به دانشجو به ویژه در سطح تحصیلات تکمیلی، فرهنگ سازمانی غیرآکادمیک، توافق برسر کاستی ها، سیاسی گزینی به جای شایسته گزینی استادان، ضعف امکانات و زیرساخت ها، ضعف در تامین نیازهای تحصیلی اولیه، ضعف در قوانین و دستورالعمل ها یا سهل گیری در اجرای آن، ورود غیرآکادمیک، پذیرش بیش از ظرفیت و بدون نیازسنجی، روش پذیرش غیرکارآمد، تنوع کانال های ورود غیرآکادمیک، مقررات خشک حداکثری و روال های بوروکراتیک دانشگاه، عدم تامین نیازهای متنوع در جو و فضای دانشگاه، افت کیفیت، فقدان یا کمبود امکانات دانشگاهی، علمی و مشارکتی نبودن مدیریت دانشگاه، مخدوش شدن تصویر اجتماعی دانشگاه در دید دانشجویان، نامناسب بودن وضعیت فرهنگ دانشگاهی در ایران، بی توجهی به آیین های دانشگاهی، ضعف سنت ها، اسطوره ها، ارزش ها و آیین های آکادمیک، پایین بودن مطلوبیت جو آموزشی دانشگاه، پایین بودن سرمایه گذاریها و تخصیص منابع لازم در حیطه پژوهش، نادیده انگاشته شدن فرهنگ دانشگاهی در سیاستگذاریهای دانشگاهی، محدودیتهای مالی، توده ای شدن بی ضابطه آموزش عالی، حاکمیت فرهنگ استبدادی در جامعه، ساختار ناکارآمد آموزش عالی، ضعف محیط علمی در درونی کردن هنجارهای دانشگاهی در دانشجویان، ضعف در مرجعیت علمی، ضعف جریان جامعه پذیری دانشگاهی، ضعف مدیریتی</p>	مدیریت دانشگاه
۲۳	<p>ضعف تعهد درونی و حرفه ای، افول هنجارهای اخلاقی در جامعه، توسعه روحیه منفعت طلبی، افت هنجارهای علمی در رفتار اصحاب علم، اعمال قدرت استادان و گروه ها، نگاه ابزاری به علم، حس تبعیض توسط دانشجویان، نامناسب بودن وضعیت اخلاق حرفه ای، بی توجهی به هنجارهای اخلاق علمی، بی هنجاری فرهنگ علم، کاهش پایبندی به هنجارهای دانش، عدول دانش آموختگان جوان از ملاک‌های مقرر شده، گرایش به ضد هنجارهای علمی بیش از هنجارهای علمی، ضعف التزام در میان اعضای اجتماعات علمی، تخریب علمی، فرار از مسئولیتهای علمی، رابطه استثماری استاد با دانشجو، حسادت، منفعت طلبی، فرافکتی اشتباهات ناشی از کم کاری و تنبلی، تنبلی و کم کاری علمی، پایبندی به ضد هنجارهای علمی، بد اخلاقی و بی هنجاری علمی</p>	اخلاق حرفه ای
۲۵	<p>ارتباط پایین رشته های با بخش صنعت، ضعف در ارتباط صنعت و دانشگاه، دانشگاه وارداتی، صنعت موتنازی، شکاف بین تحصیلات آکادمیک و نیازهای شغلی، ضعف اعضای هیات علمی در حمایت از دانشجویان، بی انگیزگی استادان و ناتوانی آنان در برانگیختن دانشجویان، کم رنگ بودن ارتباطات، ضعف شکل گیری اجتماعات علمی، کلیشه ای شدن تعاملات، کاهش کیفیت تعاملات استادان با یکدیگر، کاهش تعاملات استاد با دانشجو، عدم تبادل اطلاعات علمی، تعامل ضعیف دانشجویان با یکدیگر، فقدان اجتماعات رشته ای، مشارکت ضعیف استادان در اجتماعات علمی، ضعف در تعاملات علمی بین استادان، ضعف در پیوندها و همبستگی اجتماعی لازم برای اجتماعات علمی، ارتباط ضعیف صنعت و دانشگاه، همکاری ابزاری، ضعف همکاری افقی، ضعف فرهنگ مشارکت، ضعف مناسبات علمی بین استادان، بی کیفیتی تعاملات و همکاریهای علمی میان دانشجویان، نبود دغدغه شاگردپروری در ارتباط استادان با دانشجویان</p>	ارتباطات
۷	<p>اولویت داشتن فرهنگ فردگرایانه، کم رنگ بودن کار جمعی و گروهی، حاکم بودن فردیت و فقدان گروه مرجع، برجسته بودن هویت جنسیتی، فردی و تماشاگرانه و منفعل بودن دغدغه های دانشجویان، فردگرایی، نهادینه نشدن فرهنگ مشارکت علمی</p>	کار جمعی و گروهی
۳۳	<p>تلقی اثبات گرایانه و غیراجتماعی داشتن از آموزش و پژوهش و علم، احساس هویت رشته ای پایین، عدم آمادگی برای مشارکت نقادانه در فرایند آموزش و تحصیل، ناکارآمدی برنامه درسی، اهمیت ندادن به یافته های علمی، مطلوب نبودن سبک یادگیری در دانشگاه، آماده خوری فرهنگی و علمی، ضعف منطق علمی، افول گرایش به یادگیری مادام العمر، پرهیز از برخورد نقادانه و پرسشگرانه، عدم کنشگری دانشجویان در عرصه تولید و مصرف علم، دانشجوسولاری، ارتباط ضعیف بخش آموزش و پژوهش، فقدان نقد در جریان آموزش، تسامح و سهل گیری علمی در دانشگاه، ضعف در خلاقیت و خودانگیختگی علمی، نبود روحیه علم طلبی، بی کیفیتی کلاسهای آموزشی، بی کیفیتی آموزش ها و محتوای دروس، ضعف فرهنگ علمی جامعه، احساس تعلق و هویت پایین در بین دانشجویان، بازاری شدن علم و مسئولیت حرفه ای</p>	فرهنگ یادگیری و آموزش
۳	<p>ضعف در نهادهای نظارتی و نظارت ایدئولوژیک، بحرانی بودن شرایط علمی و آکادمیک، ملاک ها و معیارهای غیرآکادمیک در ارزیابی</p>	ارزیابی
۱۱	<p>فشارهای خانوادگی و اجتماعی، سوء تبلیغات در رسانه ها، ضعف در تخصص گرایی، مدرک گرایی، اهمیت ندادن به عالمان در جامعه، چشم انداز شغلی و مالی نامناسب، ضعف انگیزشی و فقدان چشم انداز روشن، نداشتن حس مثبت از بودن در دانشگاه، نارضایتی از موقعیت فعلی، بی انگیزگی دانشجویان، دغدغه ارتقاء استادان</p>	نظام پاداش و تنبیهات
۶	<p>تفرد و بی اعتمادی افراد دانشگاهی به یکدیگر، اعتماد اندک میان استاد و دانشجو، ناامیدی و اطمینان نداشتن به آینده، نبود اعتماد و ضعف سرمایه اجتماعی، دل بسته نبودن به محیط علمی</p>	اعتماد

استقلال دانشگاهی:

استقلال دانشگاهی و مدیریت خودگردان دانشگاه را خود دانشگاهیان تعریف کرده اند؛ بدین صورت که همه دانشگاهیان خودشان دانشگاه را به عهده دارند و نظام دانشگاهی را کنترل می کنند و تصمیمات مربوط به آن را در درون دانشگاه می گیرند. دانشگاه ایرانی برخلاف دانشگاه‌های غربی، از متن تحولات درونی سنت های تعلیمی و تحقیقی این جامعه و در بستری از سیر جدالی و توسعه این سنت ها در مواجهه با انتقادات و تغییرات جدید به وجود نیامد. بلکه به صورت جریانی کاملا گسسته و از خارج الگو برداری و اقتباس شد بنابراین فاقد ریشه های هنجاری قوی بود و از حیث استقلال سست بود از سوی دیگر به دلیل قدرت فراگیر دولت و یا فقدان نهادهای رقیب غیردولتی، دانشگاه در درون دولت به وجود آمد. این بود که استقلال دانشگاه ایرانی پیوسته با نشیب و فرازها و بیم و امیدها همراه بود (Farasatkah, 2010). نمونه ای از آسیب های مربوط به این مقوله در مقاله های منتخب به این صورت منعکس شده است: در پژوهش (Farasatkah, 2015) آمده است: «هنوز یک تیپ ایده آلی از دانشگاه در چشم و دل دانشجویان ایرانی وجود دارد و آن دانشگاهی با استقلال آکادمیک است که رئیسش را خود استادان دانشگاه انتخاب می کنند. دانشگاه با سازمان ها و دستگاه های اجرایی دیگر تفاوت ماهوی دارد و شایسته نیست جزوی از ابواب جمعی بوروکراسی دولت به حساب بیاید. مشارکت کنندگان در تحقیق از این جهت نیز احساس می کنند دانشگاهی که در آن تحصیل می کنند از چنین شان و استقلال برخوردار نیست و مطمئنا این امر در رفتار تحصیلی آن ها تاثیر نامطلوب می گذارد».

در پژوهش (Ebrahimi, Adli & Mehran, 2015) به نقل از مصاحبه شونده شماره ۶ آمده است که «حق استخدام، جذب دانشجو، گزینش و ارتقاها همه به صورت متمرکز و بیرون از دانشگاه بر آن تصمیم گیری می شود».

در پژوهش (Mohseni Tabrizi, Ghazi Tabatabaei, & Marjaei, 2010) «قدرت نازل دانشگاهیان در تعیین سرنوشت آکادمیکی خود و تصمیم گیری های مربوط به امور دانشگاه» به عنوان یکی از مسائل و چالش های محیط علمی از دیدگاه دانشجویان دوره دکتری عنوان شده است.

در پژوهش (Mottalibefard, Araste, Navebrahim, & Abdollahi, 2016) آمده است که براساس نتایج به دست آمده از مصاحبه با اطلاع رسان های تحقیق، از جمله مهم ترین مشکلات آموزش عالی در حوزه مدیریتی، تعدد کانون های قدرت و تصمیم گیری در آموزش عالی است. وزارت علوم تحقیقات و فناوری، شورای عالی انقلاب فرهنگی، مرکز جذب، شورای عطف، هیات امنای دانشگاه ها و بسیاری از سازمان ها و نهادهای دولتی از طریق تصمیم گیری یا اعمال نفوذ به صورت مستقیم و غیرمستقیم، فعالیت های آموزش عالی را تحت تاثیر قرار می دهد.

آزادی علمی:

فراستخواه (۲۰۱۰) آزادی علمی در دانشگاه های ایران را در حال قبض و بسط می داند و آن را ناشی از در درون دولت بودن دانشگاه و سایه اقتدارگرایی دولت بر آن می داند. در مقالات منتخب به این مقوله به صورت جدی اشاره نشده است نمونه ای از مطالب مطرح شده در این مورد به این شرح است:

در پژوهش (Mahdijeh, Hemmati, & Vedadhir, 2016) به نقل از یکی از مصاحبه کنندگان آمده است که «سیاست های حاکم بر دانشگاه ها مبتنی بر ارزیابی های کمی گرایانه و ناعادلانه دانشجویان فضای دانشگاه را به فضایی رقابتی تبدیل کرده است که همه برای منافع فردی به رقابت با سایرین می پردازند. در این فضا وابستگی دانشجو به استاد و نبود تفکر مستقل و خلاقانه اجتناب ناپذیر است. بنابراین، می توان گفت که فضای انتقادی در دانشگاه ها به دلیل ضعف سواد علمی برای ورود به جریان مباحثه و نقادی یا هزینه بر بودن آن یا نبود فرهنگ دوسویه مباحثه، مشارکت و گفت و گوی علمی میان کنشگران دانشگاهی، عملا به فضای تک صدایی با محوریت استادان تبدیل شده است». در پژوهش (Zakersalehi & Nazarian, 2014) آنچه به دست آمده، این است که آزادی علمی، دغدغه اصلی دانشجویان نیست بلکه از نظر آن ها آزادی مدنی (مانند رابطه با جنس مخالف) مهم تر است.

مدیریت دانشگاه:

مدیریت دانشگاهی فرایند هدایت خلاقیت هایی است که در تک تک جامعه دانشگاهی وجود دارد (Yamani, 2017). مدیریت در دانشگاه های معتبر امروز بسیار پیچیده و به مهارت های شناختی و سازمانی عمیق نیاز دارد. از نظر ژادو رئیس دانشگاه در آینده لازم است ویژگی های زیر را داشته باشد: ۱) انتخاب وی تنها برعهده اعضای جامعه دانشگاه قرار گیرد و نیروهای خارجی نیز در پاسخگویی به نیازهای جامعه او را بپذیرند. ۲) رئیس دانشگاه بی همتاست: او هم باید دانشمند باشد و هم فردی سازمانی. لذا در زمینه های علمی و اداری مالی لازم است مهارت های لازم را داشته باشد. ۳) نقش هماهنگ کننده ای که رئیس دانشگاه دارد به او کمک خواهد کرد مجموعه پیچیده دانشگاه را درک کند. برعهده رئیس دانشگاه است که جایگاه ابعاد علمی، مالی، درونی، بیرونی، سیاسی، فنی و... را در هدایت دانشگاه تشخیص دهد. ۴) رئیس

دانشگاه فردی تنها نیست؛ هیات اداره کننده دانشگاه نقش بسیار مهمی دارد. ۵) رئیس دانشگاه ابزارهای لازم برای انجام مسوولیت های خود را داراست. از این رو مدت دوره ریاست او باید تا حدودی طولانی (۴ یا ۵ سال) و تمدیدپذیر باشد. ۶) رئیس دانشگاه نماینده، سخنگوی دانشگاه و پاسخگو در برابر جامعه دانشگاه و جامعه بیرون از دانشگاه است (Yamani, 2015, 259). مدیریت دانشگاه یکی از مقوله هایی هست که بیشترین آسیب فرهنگ دانشگاهی در آن مطرح شده است به نمونه هایی از آسیب های مطرح شده اشاره می شود:

یکی از عوامل تاثیرگذار در کارکردی آموزش عالی را می توان به ضعف ساختار مدیریتی و نظارتی در آموزش عالی نسبت داد که شامل ضعف در نهادهای نظارتی و نظارت ایدئولوژیک، ضعف در نگاه تخصصی به مدیریت آموزش عالی، مدیریت سیاسی و رابطه ای و تعدد کانون های قدرت و تصمیم گیرنده می شود (Motallebifard et al. 2016).

براساس نتایج پژوهش (Mottalebifard, Araste, Naveebrahim, & Abdollahi, 2016) سیاسی و رابطه ای بودن مدیریت در سطح دانشگاه های کشور از عوامل کارکردی عنوان شده است. به دلیل سیطره نظام سیاسی بر فعالیت های دانشگاهی، انتخاب مدیران کاملا رابطه ای و حزبی می باشد. نظام حاکم با هدف همسو کردن مراکز دانشگاهی با خود و بهره برداری سیاسی از آن اقدام به تغییر مدیریتی و جایگزین کردن مدیران قبلی دانشگاه می کند و اساسا موضوعی به نام پاسخگویی مطرح نیست و این وضعیت موجبات ضعف در آموزش عالی را فراهم می کند. این برداشت که تمامی استادان به واسطه داشتن تحصیلات عالی دارا توانایی مدیریت آموزش عالی نیز هستند برداشتی غیرتخصصی و غیرحرفه ای می باشد. یکی از مصاحبه گران می گوید: «علاوه بر سیاسی بودن مدیریت آموزش عالی نگاه غیرتخصصی به آن نیز یکی از دغدغه های دیگر در این زمینه خواهد بود تصور این است که هر کسی با هر تخصصی می تواند در آموزش عالی مدیریت کند اما این تصور در سایر سازمان ها و وزارت خانه ها کمتر دیده می شود باید نگاه ها تغییر کند و مدیریت آموزش عالی تخصصی گردد». می توان به کمی نگرانی در آموزش عالی هم به عنوان یکی از آسیب های مدیریت دانشگاه اشاره کرد که از زیرمقوله های آن می توان به سیاست گذاری غیراصولی در آموزش عالی، ضعف در نیازسنجی و آمایش آموزش عالی، فشار اجتماعی، توسعه کمی و غفلت از کیفیت اشاره کرد. همچنین فرهنگ سازمانی غیرآکادمیک (ملاک ها و معیارهای غیرآکادمیک در ارزیابی، اعمال قدرت استادان و گروه ها، توافق برسر کاستی ها)، ضعف امکانات و زیرساخت ها (نسبت پایین استاد به دانشجو، ضعف در توسعه بانک اطلاعاتی پژوهشی، ضعف در قوانین و دستورالعمل ها، ضعف در تامین نیازهای تحصیلی اولیه)، ورود غیرآکادمیک به دانشگاه (سیاسی گزینی بجای شایسته گزینی استادان، تنوع کانال های ورود غیرآکادمیک، روش پذیرش غیرکارآمد، پذیرش بیش از ظرفیت و بدون نیازسنجی) به عنوان آسیب های مدیریت دانشگاه می توان اشاره داشت (Mottalebifard, Araste, Naveebrahim, & Abdollahi, 2016).

جو و فضای دانشگاه، نیازهای متنوع جوانی و فرهنگی و اجتماعی و فراغتی دانشجویان را تامین نمی کند و فاقد نفوذ لازم برای توسعه شایستگی های کانونی و اجتماعی و مهارت های زندگی و کیفیت زندگی دانشجویان است (Farasatkah, 2015). تصویر اجتماعی دانشگاه در دل و دیده دانشجویان مخدوش و مناقشه آمیز شده است و دانشجویان حس مثبتی از بودن در دانشگاه نداشتند (Farasatkah, 2015). همچنین نمادها و جملات و مضامینی که متناسب با محیط دانشگاه باشد، اندک است و خبری از آیین های دانشگاه در دانشگاه دیده نمی شود (Zakersalehi & Nazarian, 2014).

اخلاق حرفه ای:

فراستخواه (۲۰۰۹) وضعیت اخلاق حرفه گری علمی و دانشگاهی موجود در ایران را بحث انگیز و مساله دار می داند. وضع مساله آمیز اخلاق حرفه ای در اجتماع علمی و آموزش عالی ایران، انعکاسی از ضعف ها و نارسایی های عمومی تر در اخلاق اجتماعی و فرهنگ عمومی ماست که خود از عوامل محیطی، ساختاری و تاریخی نشات گرفته است. اخلاق حرفه ای یکی از مقوله های مورد توجه در فرهنگ دانشگاههاست که در این حوزه آسیب های فراوانی هم مطرح شده است همچنین زوال اخلاق پژوهشی در زمان های معاصر نسبت به گذشته بیشتر شده است و این در پژوهش قانعی راد هم اشاره شده است که استادان نسل اول نسبت به استادان نسل های بعدی نسبت به اخلاق پژوهشی پای بندی بیشتری دارند از آسیب های مطرح شده در این زمینه می توان به موارد زیر اشاره داشت:

ضعف تعهد درونی و حرفه ای از عوامل موثر در شکل گیری کارکردی های آموزش عالی به حساب می آید که از مولفه های آن می توان به افول هنجارهای اخلاقی در جامعه و توسعه روحیه منفعت طلبی اشاره کرد (Mottalebifard, Araste, Naveebrahim, & Abdollahi, 2016). وضعیت اخلاق حرفه ای در دانشگاه ها نامناسب ارزیابی شده است (Ebrahimi, Adli & Mehran, 2015). همچنین یکی از معضلات علمی در جامعه ایران پدیده سرقت علمی به عنوان یکی از مقوله های اخلاق حرفه ای یاد شده است (Ahmadi, Pasandideh & Dehganade, 2015). همچنین گرایش به ضد هنجارهای علمی به عنوان یکی از چالش های محیط علمی بیان شده است (Mohseni, 2010). به گفته دانشجویان تعاملات استادان در دانشگاه نه براساس همکاری و پیشرفت جمعی، بلکه برپایه ضد ارزش هایی چون حسادت، عدم مدارای علمی، رقابت های ناسالم و تخریب علمی استوار است همچنین استادان به

نوعی آماده خوری علمی عادت کرده اند که در آن بار تلاش علمی بر دوش دانشجویان و رابطه استادان با دانشجویان نوعی رابطه ابزاری و استثماری است (Mahdiyeh, Hemmati, & Vedadhir, 2016).

ارتباطات:

ارتباطات انواع مبادله اطلاعات، مناسبات حمایتی و عاطفی، روابط و تماس های فیزیکی و دستیابی به شبکه وسیع تر همکاران را در بر می گیرد. این فرایندهای ارتباطات، بین رهبر و تیم کاری، بین اعضای تیم، و بین اعضای تیم و شبکه بیرونی همکارانش رخ می دهد. مساله نوع حکمرانی و رهبری، ارتباطات بین رهبر و اعضای تیم را توصیف می کند. ارتباطات بین همکاران درونی و بیرونی، عملکرد پژوهشی فردی را پیش بینی می کند و برای حفظ بهره وری از اهمیت برخوردار است (Ganeirad, 2006). آسیب های مقوله ارتباطات از فرهنگ دانشگاهی را می توان در موارد زیر دید:

رشته سخت-کاربردی و نرم-کاربردی به دلیل روابط کم و ناچیز با بخش صنعتی و تولیدات اقتصادی و سیاست گذاری اجتماعی تفاوت چندانی با رشته های سخت-محض و نرم-محض ندارند (AminMozaffari, & Yosefiagdam, 2011). بین صنعت و دانشگاه ارتباط ضعیف وجود دارد و این را می توان به عنوان عامل موثر در شکل گیری کژکارکردی در آموزش عالی قلمداد کرد فعالیت در این خصوص صرفا معطوف به واحد ارتباط با صنعت شده است ضعف در ارتباط صنعت و دانشگاه ناشی از وارداتی و موتناژی بودن دانشگاه، شکاف بین تحصیلات آکادمیک و نیازهای شغلی و ضعف در تحقیقات کاربردی و مشترک بین صنعت و دانشگاه است (Mottallebifard, Araste, Naveebrahim, & Abdollahi, 2016). در پژوهش (Ebrahimi, Adli & Mehran, 2015) آمده است: «در دانشگاه یک فرهنگ فردگرایانه حاکم است که بیشتر افراد دوست دارند خودشان بدرخشند نه تیم و گروهشان. استادان هم غالبا دوست دارند که طرح های پژوهشی خود را تنها یا با دانشجویان بردارند، نه با استادان همرده یا بالاتر از خود، چون احساس اقتدارطلبی می کنند و می توانند قدرت خود را بر دانشجو تحمیل کنند». پژوهش (Zakersalehi & Nazarian, 2014) بیانگر ضعف شکل گیری اجتماع علمی و هنجارهای آن در بین دانشجویان است. هم چنین پژوهش (AminMozaffari, & Yosefiagdam, 2011) هم بیانگر نبود اجتماعات رشته ای در بین دانشجویان است. در پژوهش (Mohseni Tabrizi, Ghazi Tabatabaei, & Marjaei, 2010) هم مشارکت ضعیف استادان در اجتماعات علمی و ضعف در تعاملات علمی بین استادان به عنوان چالش های محیط علمی قلمداد شده است. در حالی که بزرگ ترین آفت تولید علم، عدم تبادل اطلاعات علمی است و اگر بخواهیم در دانشگاه تولید علم صورت بگیرد، باید نگاه علمی در دانشگاه حاکم شود، نگاهی که همه دیدگاه ها را بشنود و آن ها را به چالش بکشد (Ganeirad, Maleki & Mohammadi, 2014). حتی تعاملات موجود هم و همکاری های علمی هم در اکثر موارد بی کیفیت هست و شاهد ضعف همکاری افقی و همکاری های ابزاری و نهادینه نشدن فرهنگ مشارکت علمی هستیم (Mohseni Tabrizi, Ghazi Tabatabaei, & Marjaei, 2010).

کارجمعی و گروهی:

دانشگاه باید محلی برای تمرین و فراگیری فعالیت های گروهی در حوزه دانش باشد در حالی که در آموزش کنونی، بیشتر کارهای دانشجویان به صورت فردی و فردگرایانه صورت می گیرد. فعالیت های فردی روحیه فردگرایانه و جزمیت را در بین آن ها تقویت می کند و شرایط تمرین و تسامح را فراهم نمی سازد و باعث افزایش فاصله های قومی، زبانی، طبقاتی، مذهبی و ... در بین دانشجویان می شود. کارهای جمعی دانشجویان به ترویج تفکر انتقادی در بین آن ها می انجامد (Ganeirad, 2004). از آسیب های این مقوله می توان به آنچه در موارد زیر آمده است، اشاره کرد: در پژوهش (Zakersalehi & Nazarian, 2014) با تحلیل وضعیت دانشجویان دانشگاه آمده است: گروه مرجعی وجود ندارد و فردیت حاکم است دانشجویان پاسخگو حتی دغدغه صنفی هم ندارند آنچه مهم و برجسته است هویت سبک زندگی و هویت جنسیتی است. هویت سیاسی و قومی و فکری هم کم رنگ است دانشجویان بیشتر شبیه گروه تماشاچی و منفعل هستند. در پژوهش (Mahdiyeh, Hemmati, & Vedadhir, 2016) هم از نهادینه نشدن فرهنگ مشارکت علمی یاد شده است.

فرهنگ یادگیری و آموزش:

از دیدگاه فرهنگ گرایی، آموزش یک جزیره نیست بلکه پاره ای از قاره فرهنگ است. یا به تعبیر دیگر آموزش برآمده و برگرفته از الگوها و سنت های فرهنگی است نوع جهت گیری ارزشی در جوامع مختلف، نوع تلقی از مفهوم علم، یادگیری و یاددهی، معلم و نقش های آن، مدرسه و جایگاه آن و برنامه درسی و تمام مولفه های آموزش شامل نیازها، انتظارات و نحوه پیوند با نظام سیاسی در شیوه ها، ابزارها و محتوای آموزشی در هر جامعه ای به صورت خودآگاه و ناخودآگاه بر چگونگی آموزش و تمامی فرایندهای یاددهی و یادگیری تاثیرگذار است (Fazeli, 2011). نمونه ای از آسیب های این مقوله را می توان در پژوهش ها به این شرح بیان کرد که نتایج پژوهش (Fazeli, 2003) نشان می دهد که «دانشجویان ایرانی تلقی و فهمی اثبات گرایانه، مکانیکی و غیرپویا، شناختی و ذهنی، و غیراجتماعی از مفهوم آموزش،

پژوهش، علم و یادگیری دارند. لذا آمادگی کمتری برای مشارکت نقادانه در فرایند آموزش و تحصیل دارند». پژوهش (Mahdiyeh, Hemmati, & Vedadhir, 2016) اهمیت ندادن به یافته های علمی را مطرح می کند که نتیجه آن هدایت شدن تحقیقات به سمت موضوعاتی است که شاید هیچ ارتباطی با نیازهای جامعه ندارد و اصولاً مساله محور نیستند. پژوهش (Ebrahimi, Adli & Mehran, 2015) سبک یادگیری موجود در دانشگاه ها را مطلوب نمی داند «فرهنگ یادگیری و آموزش در دانشگاه، فرهنگی استاد محور، منفعل، غیرمشارکتی و نابرابر است. استادان از دانشجویان بیشتر کتابخوان و شونده می خواهند، نه نویسنده و منتقد». همچنین با توجه به تحقیق (Ahmadi, Pasandideh & Dehganzade, 2015) می توان به ضعف منطق علمی و افول گرایش به یادگیری مادام العمر، و پرهیز از برخورد نقادانه و پرسشگرانه به عنوان سبکی از یادگیری یاد کرد. در پژوهش (Mahdiyeh, Hemmati, & Vedadhir, 2016) به تسامح و سهل گیری علمی در دانشگاه، فقدان نقد در جریان آموزش، نبود شایسته سالاری و بی سواد علمی، بی کیفیتی کلاس های آموزشی و بی کیفیتی آموزش ها و محتوای دروس، ضعف در خلاقیت و خودانگیزگی علمی و ... اشاره کرد

ارزیابی:

ارزیابی در دانشگاه رویه ای برای فهم هیات علمی، دانشجویان، کارکنان، ذی نفعان بیرون از دانشگاه و ... است. این فهم تنها از طریق عناصر مدیریتی (هیات رئیسه در سطح دانشگاه، روسای دانشکده ها در سطح دانشکده ها، معلم در سطح کلاس و ...) نمی تواند به وجود آید بلکه کاری است مشترک بین آحاد جامعه دانشگاهی براساس تلاش کنشگران آن برای شناسایی وضعیت خود در ارتباط با دیگری. بنابراین ارزیابی از بالا به پایین نمی تواند محرک مناسبی برای خلاقیت های فردی و گروهی باشد (Yamani, 2017). آسیب های مربوط به این مقوله به عنوان نمونه عبارتند از: نتایج پژوهش (Mottalebifard, Araste, Navebrahim, & Abdollahi, 2016) نشان می دهد که ضعف در توسعه ی ارگان ها و نهادهای نظارتی در سطح وزارت علوم و دانشگاه ها می تواند عاملی در توسعه کژکارکردی های آموزش عالی باشد. بر مبنای این اصل وجود نهادی بالادستی و دارای اختیار جهت ارزیابی فعالیت های آموزشی، پژوهشی و خدماتی دانشگاه در ابعاد مختلف می تواند تا حدود زیادی از بروز کژکارکردی های آموزش عالی جلوگیری کند. یکی از مصاحبه شوندگان می گوید که کژکارکردی در آموزش عالی وجود دارد چون نظارت وجود ندارد و اساساً چیزی به اسم پاسخگویی وجود ندارد در ایران عملکرد مدیر، ارزیابی نمی شود و در معرض پاسخگویی قرار نمی گیرد نتایج و آثار تحقیق پژوهشگر، مورد بررسی قرار نمی گیرد. بر فرایند تحقیق نظارت می شود وقتی نظارت نباشد هر اتفاقی می افتد» هم چنین ملاک ها و معیارهای غیرآکادمیک در گروه های آموزشی و استادان برای ارزیابی کیفیت وجود دارد.

نظام پاداش دهی و منزلت:

پاداش و منزلت به معنای مورد تقدیر و تشویق قرار گرفتن جامعه علمی از بعد معنوی یا مادی است که باعث انگیزه افراد می شود ولی توجه به آن در نظام دانشگاهی چندان جدی گرفته نشده است. نمونه ای از آسیب های مربوط به این مقوله که در مقاله های اشاره شده است به شرح زیر است: در مصاحبه های انجام شده در پژوهش (Ebrahimi, Adli & Mehran, 2015) آمده است: «در امور مربوط به تشویق، منزلت بخشی و پاداش مادی و معنوی نهاد علمی در جامعه ما یک نهاد درجه دوم است. مثلاً طرح من برگزیده جشنواره فارابی شد و هدیه ای به مبلغ ۵ میلیون قرار بود به من اهدا شود ولی الان ۸ ماه گذشته و من هنوز این مبلغ را دریافت نکرده ام در حالی که این مبلغ در مقابل مبلغی که یک ورزشکار رتبه یا مقامی می آورد و ۲۰۰ سکه فوراً دریافت می کند خیلی ناچیز هست». در شرایط فعلی اساساً جامعه برای اصحاب علم و عاملان آموزشی در سیاست گذارهای کلان جایگاه قابل قبولی قائل نیست. روابط سیاسی عاملان قدرت در جامعه و سازمان های تاثیرگذار، فرصتی برای حضور اصحاب علم صاحب پژوهش و نظر در عرصه های تاثیرگذار باقی نمی گذارد. برکناری برخی از استادان شناخته شده به واسطه برچسب های سیاسی و وضعیت زندگی نامناسب دانشجویان در خوابگاه ها با کمترین امکانات موجب انتقال معانی منفی به سایر اصحاب علم شده است. مدرک گرایی یکی از عوامل کژکارکردی در نظام آموزش عالی هست که آن هم ناشی از فشارهای خانوادگی و اجتماعی، سوء تبلیغات در رسانه ها، ضعف در تخصص گرایی و ناکارآمدی برنامه درسی است (Mottalebifard, Araste, Navebrahim, & Abdollahi, 2016). در مصاحبه ای در این مقاله آمده است که «عموماً دانشجویان در سطوح تحصیلات تکمیلی خود را توانمندتر از دیگران می بینند اما واقعیت جامعه، بیکاری، آینده شغلی مبهم چیز دیگری است. روزی تو شهرمون داشتیم راه می رفتیم که یکی از دوستان دوره دبیرستانم شیشه ماشینشو کشید پایین گفت فلانی هنوز لای کتاب دنبال پول می گردی و این دردناک بود برم... جایگاه عالمان در جامعه بحث انگیز است». دانشجویان شرکت کننده در پژوهش (Farasatkah, 2015) حس چندان مثبتی از بودن در دانشگاه نداشتند و این نشان از پایین بودن منزلت دانشگاه است.

اعتماد:

به عقیده بوردیو، سرمایه اجتماعی، حاصل جمع منابع بالقوه و بالفعلی است که نتیجه مالکیت شبکه بادوامی از روابط نهادی شده بین افراد و به عبارت ساده تر، عضویت در یک گروه است. البته سرمایه اجتماعی مستلزم شرایطی به مراتب بیش از وجود صرف شبکه پیوندهاست. در واقع، پیوندهای شبکه ای باید از نوع خاصی، یعنی مثبت و مبتنی بر اعتماد باشند. سرمایه اجتماعی نوعی محصول اجتماعی است ناشی از تعامل اجتماعی (SharePour, 2008). «سازمانی که در تار و پود آن فرهنگ اعتماد نهفته است، نسبت به نهادی که به دنبال راه حل های سلسله مراتبی و دیوانی است، آمادگی بیشتری برای مدیریت مسائل بی شماری دارد که در افق پیدا هستند» (Valimaa & Ylijoki, 2008). 84). محیط های علمی نیاز به اعتماد دارند اما در این مقوله آسیب هایی وجود دارد که از جمله آن می توان به نتایج پژوهش (Mohseni Tabrizi, Ghazi Tabatabaei, & Marjaei, 2010) که به اعتماد اندک بین استاد و دانشجو به عنوان یکی از چالش های محیط های علمی اشاره داشت و هم چنین در پژوهش (Mahdiyeh, Hemmati, & Vedadhir, 2016) ناامیدی و اعتماد نداشتن به آینده و نبود اعتماد و سرمایه اجتماعی ناشی از جامعه پذیری علمی ناکارآمد اشاره کرد.

بحث و نتیجه گیری

همان گونه که گفته شد این پژوهش با هدف شناسایی آسیب های فرهنگ دانشگاه در دانشگاه های ایران با روش تحلیل محتوا انجام شده است برای این منظور پژوهش های انجام شده در این زمینه در مجلات داخلی شناسایی شد و تحلیل محتوا بر روی آن ها انجام شد. ۱۸۴ آسیب شناسایی شد که در ده محور طبقه بندی شد و آسیب های شناسایی شده در جدول شماره (۳) گزارش گردیده است. آسیب ها در ده مقوله و محور استقلال دانشگاهی، آزادی علمی، مدیریت دانشگاه، اخلاق حرفه ای، ارتباطات، کارجمعی و گروهی، فرهنگ یادگیری و آموزش، ارزیابی، نظام پاداش دهی و منزلت و اعتماد طبقه بندی شد و از مهم ترین آسیب ها می توان به فقدان استقلال دانشگاهی و تعدد کانون های قدرت و تصمیم گیری، عدم آزادی آکادمیک و فقدان استقلال فکری، مدیریت سیاسی و رابطه ای، علمی و مشارکتی نبودن مدیریت دانشگاه، ضعف سنت ها و اسطوره ها، ضعف جریان جامعه پذیری دانشگاهی، سیاست گذاری غیراصولی در آموزش عالی، افول هنجارهای اخلاقی در جامعه، بی هنجاری فرهنگ علم، کاهش پایبندی به هنجارهای علمی، منفعت طلبی، بد اخلاقی و بی هنجاری علمی، ضعف شکل گیری اجتماعات علمی، تعامل ضعیف دانشجویان با یکدیگر و با استادان و با دانشگاه، فقدان مهارت های کارگروهی و فردگرایی و نهادینه نشدن فرهنگ مشارکت علمی، احساس هویت رشته ای پایین، مطلوب نبودن سبک یادگیری در دانشگاه، پرهیز از برخورد نقادانه و پرسشگرانه، فقدان نقد در جریان آموزش، ملاک ها و معیارهای غیرآکادمیک در ارزیابی، مدرک گرایی و اعتماد پایین میان استاد و دانشجو، و ناامیدی و اطمینان نداشتن به آینده و ... اشاره داشت. بیشترین آسیب های گزارش شده در مقوله مدیریت دانشگاه با فراوانی ۴۲ قرار دارد و کمترین آسیب گزارش شده در محور آزادی علمی با فراوانی ۲ قرار دارد البته این به معنای وجود آسیب کمتر در مقوله آزادی علمی نیست. نتایج به دست آمده نشان دهنده مساله دار بودن آموزش عالی و مقوله فرهنگ در آموزش عالی ایران است که نتیجه نادیده انگاشته شدن فرهنگ دانشگاهی در سیاست گذاری های دانشگاهی است. دانشگاه در ایران به عنوان یک نهاد مدرن از ابتدای تولد و ظهور خود زیست بحرانی داشته است از این رو، پیوسته هویت و کارکرد آن مورد مناقشه و بحث گروه های اجتماعی و نخبگان بوده است. این نهاد مدرن به جامعه سنتی آن روز ایران الصاق شد اما در فرآیند تکوین و رشد خود بسیاری از ابعاد وجودی آن همچون استقلال و آزادی علمی ادراک نشد. (Zakersalehi, 2017).

به طور کلی، براساس یافته های این تحقیق فرهنگ دانشگاهی در ایران از جنبه های متعدد دچار آسیب است و نیاز به توجه و برنامه ریزی سیستماتیک برای حل این معضلات لازم خواهد بود. دانشگاه ایرانی نه تنها ایستا نیست بلکه نابسامانی را در کلیه زمینه های اجتماعی بازتولید می کند، اگر ایده دانشگاه با واقعیت دانشگاه مقایسه شود می توان دریافت که فاصله بسیار است و دانشگاه دچار زوال شده است دانشگاه در حال حاضر یک متخصصی تربیت می کند که به محض فارغ التحصیلی به دنبال این است که با مدرکش به هر قیمت قبایی برای خودش بدوزد بدون این که برای زوال و آینده جامعه فکری بکند. (Ganeirad, 2017) و این امر منجر به زوال اخلاق حرفه ای و فرهنگ دانشگاهی می شود از سوی دیگر توسعه مطلوب اخلاق حرفه ای نه با قاعده نویسی ها و دستورالعمل های رسمی و اداری و یا پند و اندرزها و گفتارهای بیرونی، بلکه از طریق بسترهای تعاملی و کنش های ارتباطی خود عاملان و طی فرایندهای واقعی در متن زندگی علمی آن ها میسر می شود. هنجارها، ارزش ها و منش های اخلاقیات حرفه گری علمی، نه با تبلیغات و نصیحت گری یا بخشنامه های اداری (براساس الگوی فرهنگ سازی از بالا) بلکه با الگوی شیوع و انتشار درون زا در بستر فعالیت های خودجوش از سوی خود اجتماع علمی و (یاران و هم تاپان) دانشگاهی توسعه می یابد. (Farasatkah, 2009) براساس یافته ای این پژوهش و رفع آسیب های فرهنگ دانشگاهی لازم است پژوهش های بیشتری در این حوزه انجام شود و هم چنین دانشگاه ها به بحث فرهنگ دانشگاهی و سیاست گذاری در جهت کاستن آسیب های

فرهنگ دانشگاهی اقدام کنند هم-چنین برخی پیشنهادهای به شرح زیر جهت کاستن آسیب های مطرح شده در حوزه فرهنگ دانشگاهی ارائه می شود :

- اعطای استقلال و اختیارات به دانشگاه-ها
- برگزاری کرسی های آزاد اندیشی در جهت تضمین و ارتقای آزادی بیان
- انتخاب مدیران دانشگاهی براساس صلاحیت های و شایستگی های مدیریت و بدون ضابطه های سیاسی و رانتی
- تدوین قوانین تشویقی جهت رعایت هنجارهای علمی
- تقویت اجتماعات و همکاری-های علمی و در نتیجه آن بهبود ارتباطات علمی
- اولویت دادن به پژوهش-های گروهی در جهت تقویت روحیه کارگروهی و جمعی
- بازنگری در محتوای دروس و هم-چنین به-کارگیری سبک های فعالانه آموزش
- ایجاد معیارهای شفاف و علمی در ارزیابی
- توجه به مقوله نادیده انگاشته شدن فرهنگ دانشگاهی در سیاست-گذاری-های دانشگاهی
- توسعه همکاری دانشجویان با یکدیگر در فرایندهای یادگیری
- تقویت فرایندهای جامعه پذیری دانشجویان

References

- Ahmadi, Gh., Pasandideh, J., & Dehganzade, A. (2015). University culture and its' changes in Iran. *Educational Studies Journal*, 4(1), 22-34. [In Persian]
- AminMozaffari, F., & Yosefiagdam, R. (2011). Disciplinary Culture and PhD students socializing techniques. *Journal of Research and planning in higher education*, 17(4), 47-63. [In Persian]
- Amiri, A. N., Zarei Matin, H., & Zolfegarzadeh, M. M. (2010). The complexities of culture and typology of its studies in higher education. *Journal of Strategy for Culture*, 10, 7-39. [In Persian]
- Dehing, W. Jochems & L. Baartman (2013). The Development of Engineering Students Professional Identity during Workplace. *Engineering Education*, Vol 8, PP;42-64
- Ebrahimi, R., Adli, F., & Mehran, G. (2015). The role of university culture on knowledge creating based on higher education experts views. *Journal of Research and planning in higher education*, 21(1), 127-151. [In Persian]
- Fairfield- Artman(2010). Narrative of female ROTC student-Cadest the postmodern university. A dissertation submitted to the faculty of the graduate school at the University of North Carolina Greensboro.
- Farasatkah, M. (2007). Academic Ethics is the key of Enhancement of Higher Education: The Position and Mechanisms of Scientific Ethics in Quality Assurance in Iran. *Journal of Ethics in Science and Technology*, 1, 13-26. [In Persian]
- Farasatkah, M. (2009). The adventure of university in Iran: A historical study on the higher education; emphasizing "economic, social, political and cultural" factors. Tehran: Rasa. [In Persian]
- Farasatkah, M. (2009). University and higher education: Global perspectives and Iranian problems. Tehran: Nashr-e Ney. [In Persian]
- Farasatkah, M. (2015). Lived and perceived experiences of university students: Case study of an Iranian university. *Iranian Higher Education Journal*, 7(2), 25-70. [In Persian]
- Farasatkah, M. (2016). New Developments in University Culture and Classroom Space and Its Influence on Teaching: thinking in five Generations of Students and Professors. *Research in teaching Journal*, 4(2), 1-28. [In Persian]
- Fazeli, N. (2003). Comparative Study of Iranian-British Academic Culture: An Anthropological Study on the Causes of Inefficiency in University Education in Iran. *Iranian Journal of Anthropology*, 1(3), 93-132. [In Persian]
- Fazeli, N. (2011). *Ethnography of instruction: ethnographical studies about Iranian education*. Tehran: elm. [In Persian]
- Ganeirad, M.A. (2004). *Interactions and Communications in the Scientific Society: A Case Study in the Field of Social Sciences*. Tehran: The office of social planning and Cultural studies. [In Persian]

- Ganeirad, M.A. (2017). The university does not know its mission. Retrieved from the Internet. <http://www.magiran.com/npview.asp?ID=3551151> [In Persian]
- Ganeirad, M.A., Maleki, A., & Mohammadi, Z. (2014). Surveying the Cultural Change in Three Generations (Case Study: Social Sciences Professors of Tehran Universities). *Journal of Iranian sociology*, 15(1), 30-64. [In Persian]
- Holsti, L. R. (1969). *Content Analysis for the Social Sciences and Humanities*, Translated by Nader Salarzade Amiri. Tehran: Allame Tababayi University. [In Persian]
- Hooman, H. (2006). *A Practical Guide to Qualitative Research*. First Edition, Tehran: Samt Publication. [In Persian]
- Johnson, L. (1979). *The cultural critics: from Matthew Arnold to Raymond William*. Routledge Kegan & Paul.
- Mahdiyeh, A., Hemmati, R., & Vedadhir, A. (2016). The process of university socialization of Ph.D. Students: University of Isfahan. *Quarterly Journal of Research and Planning in Higher Education*, 22(1), 45-73. [In Persian]
- Mohseni Tabrizi, A., Ghazi Tabatabaei, M., & Marjaei, H. (2010). The Impact of the Issues and Challenges of the Academic Environment on Academic Socialization. *Quarterly Journal of Research and Planning in Higher Education*, 55, 45-67. [In Persian]
- Mottalebifard, A., Araste, H. R., Naveebrahim, A., Abdollahi, B. (2016). Examining the Factors Affecting the Formation and Development of Higher Education Higher Education in Iran. *Quarterly Journal of Research and Planning in Higher Education*, 9(17), 9-40. [In Persian]
- Sharepour, M. (2008). *Sociology of Education*. Tehran: SAMT. [In Persian]
- Shen, X. & Tian, X. (2012). Academic culture and campus culture of universities. *Higher education studies*, 2(2), 61-65.
- Torkzadeh, J., & Mohtaram, M. (2012). Predicting the students' organizational commitment based on their conception of Educational atmosphere (case study: Shiraz university). *Higher education association journal*, 2, 123-154. [In Persian]
- Valimaa, J., & Ylijoki, O. H. (2008). *Cultural Perspectives on higher education*; Translated by Mohammad Saffar. Tehran: Cultural and social studies institution. [In Persian]
- Yamani, M. (2015). *From school to university*. Tehran: Cultural and social studies institution.
- Yamani, M. (2015). *Planning for Academic Development: Theories and Experiences*. Tehran: Shahid Beheshti University. [In Persian]
- Zakersalehi, Gh. & Nazarian, Z. (2014). University culture status and institutional requirements of science in students' life. *Journal of social institution sociology*, 1(3), 33-69. [In Persian]
- Zakersalehi, Gh. (2017). Iranian university and identity-functional struggles: in search of missed model. *Journal of education foundation*, 7(1), 24-43. [In Persian]